

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

علی مشرف

۰۱.۰۳.۰۹

کاروان شعر و روند تکاملی آن

دیروز شام "۲۸.۰۲.۰۹" با آنکه می دانستم دوست مشفق که در حالات بد و اضطراری می تواند به کمک بیاید در سفر است، یک دل را صد دل نموده، به قصد شرکت در شانزدهمین جلسه "کاروان شعر" عازم آدرس داده شده گردیدم. روز بد نبینید، یافتن آدرس اتاق کنفرانس بی درد سر تر از یافتن دانه ای سوزن از بین انبار کاه نبود. برگزار کنندگان هم که گویا انتظار آدم تازه واردی را نداشتند و فکر می کردند تمام حضار همان هائی اند که بارها در آنجا شعر شنیده و یا در سفته اند، هیچ گونه علامت و یا نشانه ای که بتواند تازه واردی را کمک شود، در مجموع ساختمان نصب ننموده بودند، به هر صورت، پرسان و جویان سرانجام خود را به محل جلسه رسانیدم.

رسیدن به محل جلسه ازدو بابت باعث شادمای و سرورم گردید. یکی اینکه با تمام سرگردانی ها دقیق سر ساعت پنج پشت درب اتاق رسیده بودم و دیگر آنکه دیدن آقای "عاکفی" دوست دیرینه ام، خطر حملات احتمالی را کاهش می داد. خواننده عزیزیکه گزارش اول این قلم را خوانده باشد شاید از خود بپرسد که دلیل ترس و هراس من چه بوده که اینهمه از آن یاد می نمایم. به عرض چنین خوانندگانی باید برسانم که بعد از شرکت در جلسه قبلی مختصر گزارشی نوشته و تقدیم پورتال نمودم. در گزارش که تقریباً لحن طنز گونه را داشت، اینجا و آنجا کس و یا کسانی یکی دو "چُنْدُک" آهسته گرفته شده بود. ترس من از آن بود که مبادا آن کس و یا کسان اسلحه انتقاد را به "انتقاد اسلحه" تبدیل نموده، این قلم را در سن ۶۰ سالگی "جوانمرگ" نموده آرزوهایم را در دلم مدفون سازند. امیدوارم از چنین طرز دیدی حکم به ترسو بودن من نکنید، اگر هم چنان حکمی را صادر نمایند زیاد به خطا نرفته اید چه تمام شجاعت من همان است که ترس خود را بروز نداده کتمان نمایم، ورنه ترس را به مانند هر کس دیگری می شناسم.

به همه حال با دیدن آقای "عاکفی" که در جمع چند دوست دیگر می درخشیدند، قوت قلب بیشتر یافتم. ایشان لطف نموده این قلم را نیز معرفی نمودند. خوشبختانه حضار اطراف آقای "عاکفی" همه از فرهنگ بالائی برخوردار بوده با آنکه با شنیدن نام "مشرف" به یاد آن گزارش افتادند، نتنها صدا بلند نکردند و انتقاد را با دشنام های زیر نافی نیامیختند، بلکه با صمیمیت با من برخورد نموده و از پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" که به تحرک فرهنگی آنها علاقه گرفته گزارش نشست آنها را در سرتاسر جهان پخش مینماید، نیز ابراز امتنان نمودند.

و اما در مورد جلسه:

هر چند جلسه قبلی به من این درس را داده بود تا نباید زیاد در قید وقت معینه باشم مگر وسواس وقت شناسی از یک طرف و اجتناب از فساد تربیتی دیگران را منتظر گذاشتن از طرف دیگر، باز هم کار خودش را نموده سر ساعت پنج در آن جا حاضر شدم. مگر با تأسف حتماً کلید دار "کعبه سخن" نیز یک ساعت دیرتر از دیگران آمده همه را عقب در گذاشت. جای خوشبختی آن که ایشان بابت دیر آمدن از هیچ کسی عفو نخواست تا نکند بر زخم کسانی نمک پاشیده باشد. به این می گویند نکته سنجی و نزاکت را مراعات کردن.

جلسه بعد از ۱۰۰ دقیقه تأخیر یعنی دقیق به ساعت ۶ و ۴۰ شام آغاز یافت. به مانند جلسه قبلی، نظم عالی، برخورد های صمیمانه، لبان متبسم، کلمات مؤدبانه به هر بیننده ای از دور می رسانید که با فرهنگیان جامعه افغانی مقیم تورنتو سر و کار دارد. مگر قبل از آغاز گزارش باید یک نکته دیگر را نیز خدمت شما دوستان بنگارم و آن هم تذکریست در مورد این قلم:

در یک اجتماعی که افغانها در آنجا جمع شده باشد، من در تمام عمر یکی از افراد عادی و بدون کدام فوق العادگی بوده و هستم. دارای قد متوسط، وزن متوسط، لباس عادی، شکل و شمایل عادی به مانند میلیونها و میلیارد ها انسان معمولی کشور ما و کره خاکی که در آن زیست می نمایم.

نه قدی دارم که چشم ها را به طرف خود خیره سازد و نه هم از چنان اندام ویا چهره برخوردار هستم، که چشم ها از روی تحسین ویا تعجب بدان سو بکشاند. بدبختانه ذوق لباس پوشیدن هم در من همانقدر عادیست که هیچگاهی مورد توجه قرار نگرفته بودم. و چون خلاف برخی ها که آگاهانه دیر تر داخل مجلس می شوند تا انظار را به خود معطوف بسازند، همیشه از اول جلسه در آن حضور داشته ام، در تمام مجالس عدم وجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اگر احياناً غریبه ای هم با من سلام علیک می نمود به صورت عموم یک سلام "چُقر" بین ما ردو بدل می شد مگر در این جلسه:

وقتی خانم "فاطمه اختر" به مثابه گرداننده و اداره کننده جلسه به سخن آغاز نمود، در اولین کلام این قلم را شرمند ساخته ضمن پذیرش انتقاد از جلسه گذشته، باز هم عین انتقاد را (تأخیر در افتتاح جلسه) را بر طرز کار شان وارد اعلام داشت.

به علاوه بر خورد محترمانه ایشان برخی از افراد دیگر نیز سلام های چسپی با من داشتند. لازم است به خاطر احتراز از خود را گم کردن، از مجموع آن سلام ها قسمت "چُقر" آنرا برای خود وبقیه را به پورتال برگردانم. چه آنچه واضح بود خلاف تصور برخی ها در جریان این دو گزارش یعنی حدود سه ماه، پورتال شناخته تر از آن گردیده که به خیر نگارش (باز هم به اجازه متصدیان پورتال مقام خود ساخته ام را یاد آوری نمودم) بی توجهی صورت گیرد.

نوشتن جلسه را خانم "فاطمه اختر" آغاز نمود. از سبک کارشان معلوم می شد که در آن زمینه از تجربه کافی برخوردار هستند.

در مجموع به علاوه خانم "اختر" ۲۲ تن دیگر از شعرای مقیم بزرگ شهر تورنتو نیز در جلسه اشعار خویش را قرائت نموده و یا پارچه های انتخابی شان را دکلمه نمودند.

اولین کسیکه از طرف خانم "اختر" به منظور تقدیم پارچه شعری که سروده بود، دعوت شد شاعر جوان وپیر احساس کشور آقای "نورشیرزی" بود و آخرین فردیکه با قرائت پارچه شعر زیبای شان مجلس را خاتمه بخشیدند آقای "الندری" بود. نکات برجسته ای که در این شب شعر در مقایسه با مرتبه قبلی در خور یاد آوری اند، می توانند اینها باشند:

۱ - با تأسف تعداد شرکت کننده به ۴۰ فیصد بار قبل نیز نمی رسید. شاید بتوان فقط از همین زاویه ، این جلسه را در مقایسه با جلسه قبلی یک گام به عقب دانست.

۲ - خلاف جلسه قبلی که سیاست "سیاست زدائی" بر تمام مجلس حاکم بود و اکثر شعرا در آسمان هفتم با براق های تیز گام و بلند پرواز خیال طی طریق می نمودند این جلسه از همان آغاز با پارچه شعر زیبای شاعر جوان و بلند همت کشور آقای "نور شیرزی" سمت و سوی دیگری به خود گرفته ، با تاکید بر "اتکاء به نیروی خود" به قلب سیاست "سیاست زدائی" پیکان خویش را نشانه گرفت (۱) . به دنبال پارچه شعر زیبای "شیرزی" که با کف زندهای حضار بدرقه گردید، آقای استاد "عبدالله نوابی" نویسنده ، شاعر و هنر مند با سابقه کشور پشت سٹیژ قرار گرفته سه قطعه شعر زیبای شان را تقدیم حضار مجلس نمودند که هر یک بیشتر از دیگری مورد استقبال قرار گرفته، فضای جلسه را در همان اوج قبلی نگهداشت. (۲)

سومین فرد آقای "عاکفی" بود که وقتی پشت سٹیژ قرار گرفت ضمن یگ گله از تمام دوستان که کمتر از ۲۴ حوت هرات یاد آوری می نمایند دوپاچه شعر بسیار زیبا را که آقای "شیر آهنگر" سالها قبل سروده و یکی از آنها به شعار مبارزاتی مردم مبدل گشته بود (۳) با چنان تون و آهنگی تقدیم حضار نمود که کمتر دستی می توانست از کف زدن به مثابه ابراز تأیید و تشویق خودداری نماید. هر چند محفل نتوانست تا ختم خود بر همین مبنا ادامه یابد و همین فراز را نگهدارد، با آنها هم به مقطع ها می شد فراز های جدیدی را نیز شاهد بود که در ذات خود از ارزش خاصی برخوردار بود به صورت مثال دوپاچه شعری که به وسیله خود شاعر آقای "عبدالسلام وقادی" به زبانهای پشتو و دری خوانده شد، تقدیم پارچه شعر زیبا از شاعر فقید کشور آقای "ضیاءقاریزاده" به وسیله دخترشان خانم "پروین قاریزاده" و هم چنان آقایان فقیری ، بختیاری، سید مختار دریا، هستی و . . . (۴) همه فراز های خاص خود شان را داشتند که تکاملی بود مثبت و آشکار در مقایسه با دفعه قبل.

۳ - استغفای ادیب ، شاعر و نقاد بر جسته کشور آقای "میر حسین مهدوی" از "کاروان شعر"، آنها هم به علت سیاسی شدن لحن اشعار و موضع گیری های "کاروان". هر چند خانم "اختر" به مثابه اداره کننده جلسه این حرکت آقای "مهدوی" را غافلگیر کننده نامید، مگر خونسردی و تحملی که سایر شرکت کنندگان در قبال آن از خود نشان دادند، تا حد زیادی می تواند دال بر آن باشد ، که بحث های زیادی باید در قفا صورت گرفته باشد که نخواستند افرادی مانند من نوعی از آن اطلاع حاصل نمایند. خود این امر نیز فرهنگ بالای بر خورد سالم به اختلافات را می رساند. امید است "کاروان شعر" بتواند فقدان آقای "مهدوی" را جبران نماید.

۴ - عده زیادی از آن شعرا آمادگی خویش را به آغاز همکاری با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اعلام داشته، برخی از آنها لطف نموده نمونه های کلام شان را نیز تقدیم نمودند، که امید است در آینده موفق به تقدیم آن خدمت خوانندگان ارجمند پورتال بگردیم.

در کلیت خود هر چند محفل شب گذشته شکوه و ازدحام دفعه قبل را نداشت مگر از لحاظ محتوا گامی بود به جلو که باید به برگزار کنندگان آن تبریک گفت.

پاورقی ها:

(۱) پارچه شعر زیبای شاعر جوان وهدف مند کشور آقای "نور شیرزی" که اشعار خویش را با اسم شعری "اباسین" امضاء می نماید. این پارچه شعر را شاعر به مناسبت مبارزه علیه وابستگی وروان انقیاد طلبانه ای که از طرف جیره خواران استعمار همه روزه به خورد مردم داده می شود که گویا ما خود چیزی نیستیم و برای ساختن و اداره زندگی خویش به "قیمی" ضرورت داریم، سروده است ، در آینده از آقای "اباسین" مطالب زیادی تقدیم خواهیم داشت:

د سترگو اوشکی د زره وینه

د سترگو اوشکی د زره وینه می د زما د شعر الها م جوړوی

چی زما دی

گومان می نشی چی ستا و ران کور به جاپان جوړوی

دانساتودرناوی دکړو خلکو نه انسان جوړوی

ته لا به تمه یی چی ملک به دی المان جوړوی

به خپله وخوربیره او جوړیی کړه

داسی حالات شو چی ما ران د بادوگرو نه ما ران جوړوی

با و ر به وکړی ؟

چی بودا به پا کستان جوړوی

هیڅکله نه هیڅکله نه

(۲) قسمتی از پارچه شعر زیبای آقای "نوابی" که صورت کامل آنرا در روز های آینده تقدیم خواهم نمود:

چرا دشمن؟

بیا که تاجک وپشتون نباشیم

پی شمشیر قتل و خون نباشیم

زیک آبیم ویک خاکیم هردو

چرا با همدیگر همگون نباشیم

بیا که تاجک وپشتون نباشیم

(۳) شعر آقای "آهنگر" را که به مناسبت ۲۴ حوت هرات سروده اند حتماً در روز های آینده تقدیم خوانندگان گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" خواهیم نمود، اینک همان سه بیتی را در اینجا می آورم که حیثیت شعار مبارزاتی را به خود گرفته وروز گذشته به وسیله آقای "عاکفی" به طرز بی مانندی دکلمه گردید.

آزیر

" روسها از ملک ما بیرون شوید ورنه غرق رود بار خون شوید
این بخارا نیست خاک آریات مهد "شیر" و میهن شمشیرها است
روبه چکسلواک و ویتنام و حبش کاین وطن چون لانه زنبورها است "

(۴) امیدوام سایر شعرای محترمی که به علت اجتناب از اشتباه ، نام ایشان تذکار نیافته ، معذرت این قلم را بپذیرند. بعد از تماس مجدد با گردانندگان آن جلسه این گزارش را تصحیح خواهم نمود.